

بازخوانی مفهوم «جغرافیای تاریخی»

سیدرضا هاشمی شاهقبادی^۱

چکیده

جغرافیای تاریخی دانشی بین‌رشته‌ای است، که علاوه بر جغرافیا و تاریخ که دوپایه اصلی آن است با علوم دیگر چون جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ محلی و ... در تعامل است. در دید برخی دانشمندان هدف اصلی دانش جغرافیای تاریخی، شناخت شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذشته انسان در ارتباط با محیط جغرافیایی است. برای پاسخگویی به سؤالاتی از این دست که: آیا بسیاری از متون کهن جغرافیایی را می‌توان در زمره متون جغرافیای تاریخی به شمار آورد یا خیر؟ باید مفهوم دقیق و کاملی از این دانش بدست داد. فرضیه بر این است که مسئله مهم و همیشگی جغرافیای تاریخی، از آغاز شکل‌گیری، عدم تمایز کافی آن از دیگر علوم است. متن پیش‌رو سعی دارد با روش مفوم‌شناسی تحلیلی به بررسی اهداف، تطور مفهومی و مفهومیابی، دانش «جغرافیای تاریخی» دست یابد.

واژگان کلیدی

جغرافیای تاریخی، جغرافیای انسانی، جغرافیا، تاریخ.

^۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)، جامعه المصطفی العالمیه.

مقدمه

به‌رغم فراوانی متون کهن جغرافیای تاریخی در میان مسلمانان و با وجود آن‌که در دهه‌های اخیر درسی با عنوان «جغرافیای تاریخی» یا «Historical Geography» در مراکز علمی تدریس می‌شود و پژوهشگرانی به پژوهش و مطالعه در این زمینه اشتغال دارند، مفهوم و حوزه این دانش، همچنان دچار ابهام و گاه آمیختگی با دیگر علوم چون باستان‌شناسی و تاریخ محلی است. از دیدگاه برخی، اصطلاح و عنوان «جغرافیای تاریخی» در مقایسه با سایر عناوین و رشته‌های علم جغرافیا چون جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای شهری و ... جدید بوده و شاخه‌ای جوان تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هنوز هم در کتب لغت، فرهنگ‌ها و دائرةالمعارف‌های معتبر، کمتر به تعریف آن پرداخته شده است (نبئی، ص ۱۲۲). بر این اساس، نوشته پیشرو سعی در بررسی مفهوم‌شناسی این دانش دارد.

جغرافیای تاریخی و چالش تعریف

با آنکه بسیاری از متون کهن جغرافیایی را می‌توان در زمره متون جغرافیای تاریخی به شمار آورد و بر همین اساس بسیاری از جغرافی‌دانان قرون گذشته را ازجمله پیشرویان جغرافیای تاریخ‌نگاری دانست، عموماً فلیپ کلور آلمانی (قرن هفده میلادی)، نویسنده جغرافیای تاریخی آلمان را بنیان‌گذار جغرافیای تاریخی پنداشته‌اند. از زمان کلور تا قرن حاضر که این دانش بر اثر تلاش‌های جغرافی‌دان برجسته، رونق بسیاری یافته، پیوسته شاهد نگارش‌های با عنوان جغرافیای تاریخی مناطق و زمان‌های گوناگون توسط جغرافی‌دانان و مورخان هستیم. به سبب رخداد تنوع در برداشت جغرافی‌دانان و مورخان، از مفهوم و مصداق جغرافیای تاریخی، تعریف‌هایی متفاوتی از این دانش ارائه شده است.

بررسی علت ناتمامی بحث مفهوم‌شناسی «جغرافیای تاریخی» و عدم اجماع بر یک مفهوم، اشاره به آسیب‌هایی دارد که از نظر برخی اندیشمندان به دور نمانده است. از نظر برخی، مسئله مهم و همیشگی جغرافیای تاریخی، از آغاز شکل‌گیری، عدم تمایز کافی آن از دیگر علوم است. جغرافیای تاریخی که دانشی بین‌رشته‌ای است، علاوه بر جغرافیا و تاریخ که دوپایه اصلی آن است با علوم دیگر چون جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ محلی و ... در تعامل است.

گاهی تغییر میزان دخالت این علوم، باعث تشکیک در مفهوم آن شده و جایگاه جغرافیای تاریخی را دارای ابهام می‌سازد. فقدان مبنای روش‌شناسی و نظری نیز، دیگر سبب چالش مفهومی این موضوع است.

برخی دانشمندان این عرصه مانند کوچرا، در توضیح بیشتر این قبیل مشکلات اذعان می‌دارند که؛ به‌واقع ماهیت صرفاً توصیفی جغرافیای تاریخی، مانع از تمرکز آن بر توضیح و جستجوی قوانین می‌شود. چنان‌که نتیجه توصیفی بودن نیز چیزی جز ناکارآمدی و غیرسودمند شدن آن نیست^۱. البته کوچرا با استناد به پژوهش‌هایی بسیار، پیشنهادهایی را نیز برای بهبود اوضاع ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. باید بدانیم جغرافیای تاریخی، علمی جغرافیایی است و نباید تنها آن را به‌منزله توپوگرافی در نظر آورد.

۲. جغرافیای تاریخی در پی بازسازی پدیده‌های جغرافیایی است که دیگر وجود ندارد؛ از این‌رو به شناخت ما از وضع کنونی منطقه مورد نظر کمک می‌کند.

۳. باید به عنصر مکان (جغرافیایی) توجه کافی کرد و عنصر زمان (تاریخ) را از حالت صرف سالشمارانه که توصیف آفرین است، رها ساخت.

۴. از آنجاکه در یک منطقه، قوانین جغرافیایی به تمام قامت جاری و ساری است، این قوانین در مناطق جغرافیایی گذشته نیز جاری و ساری بوده است.

۵. شاغلان به این رشته، باید تخصص‌های ضروری جغرافیایی و تاریخی را فراگیرند تا درکشان از جغرافیای تاریخی ارتقا یابد. (احمدی، ص ۳۲)

حال که با چالش‌های مفهوم‌شناسی جغرافیایی و راهکارهای برون‌رفت از آن آشنا شدیم، شایسته است به دیگر مباحث این دانش نیز اشاره شود.

اهداف دانش جغرافیای تاریخی

برای دستیابی به مفهوم دقیق دانش جغرافیای تاریخی، باید به اهداف یا هدف این دانش

^۱. البته این دیدگاه ریشه در نگاه دانشمندان غربی به ارزش‌گذاری علوم، برحسب میزان تجربه‌پذیری دارد که در قرن حاضر در آن نیز تشکیک شده است.

توجه داشت؛ زیرا که از راه شناخت صحیح اهداف، می‌توان به شناخت مفهوم و گستره آن پی برد. از این رو به عنوان یک بحث مقدمی، به ناچار باید به هدف این دانش پرداخت. متأسفانه با توجه به ابهام در مفهوم این دانش، این ابهام به هدف نیز سرایت کرده و در بحث هدف‌گذاری این دانش نیز اختلافات فراوانی دیده می‌شود.

هدف‌گذاری برای هر دانشی بستگی به مقاصد، خاستگاه و تعریفی است که از آن دانش عرضه می‌گردد. هدف انسان از پرداختن به علوم متفاوت و گوناگون، ایجاد بهره‌وری بیشتر و بهتر از امکانات پیرامونی است. با این توضیح تمامی دانش‌ها که دانش جغرافیای تاریخی را نیز در برمی‌گیرد، باید در انتها به استفاده بهتر و بیشتر انسان از امکانات بیانجامد. جدای از این هدف کلی، باید توجه داشت که خاستگاه دانش جغرافیای تاریخی، علم جغرافیاست و این دانش از زیرشاخه‌های این علم شمرده می‌شود. لذا تعریفی که از جغرافیا داده می‌شود نیز در بحث مفهوم‌شناسی این دانش مؤثر است. جغرافیا علمی است که از محیط زندگی و روابط انسان با محیط بحث می‌کند؛ اما دانش دیگری که در جغرافیای تاریخی نقش دارد، علم تاریخ است. تاریخ علمی است که وقایع گذشته زندگی انسان را بررسی می‌نماید. با توجه به وجه مشترک این دو دانش در نقش‌دهی به انسان، در دانش میان‌رشته‌ای جغرافیای تاریخی، این نقش حفظ شده و بر آن تأکید می‌گردد.

از همین روست که در دید برخی دانشمندان هدف اصلی دانش جغرافیای تاریخی، شناخت شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذشته انسان در ارتباط با محیط جغرافیایی است. از همین روست که برخی از دانشمندان، جغرافیای تاریخی را مساوی با جغرافیای انسانی^۲ (مهدوی، ص ۶۴۲) و برخی قسمتی از جغرافیای انسانی (حریریان، ص ۸)؛ و گاه مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی (بیات، ص ۱۰) دانسته‌اند.

تطور مفهوم «جغرافیای تاریخی»

اما مفهوم جغرافیای تاریخی در دیدگاه دانشمندان این رشته، با گذشت زمان تغییرات و

۲. ایشان در تعریفی که از جغرافیای تاریخی ارائه می‌دهد آن را مطالعه جغرافیای انسانی هر منطقه در ادوار گذشته برمی‌شمرد.

تحولاتی را سپری کرده که در بحث مفهوم‌یابی می‌تواند یاری‌کننده باشد. کارل سائر^۳ در سخنرانی خویش در انجمن جغرافی‌دانان آمریکا (دسامبر ۱۹۴۰) اذعان می‌دارد که پژوهش در جغرافیای تاریخی، امری دشوار است. وی فرهنگ را دارای ماهیتی تاریخی می‌داند، که به مدد جغرافیای تاریخی می‌توان، فرهنگ انسانی و درواقع جغرافیای انسانی (اقامتگاه انسان) را موردبررسی قرار داد. با دقت در این تصریح کارل سائر و توجه به روش‌هایی که وی آن‌ها را در جغرافیای تاریخ‌پژوهی ضروری می‌داند، به دست می‌آید که در دیدگاه سائر از جغرافیای تاریخی، انسان عاملی مهم و تأثیرگذار است. پس در نظر وی مفهوم جغرافیای تاریخی این است که: منطقه‌ای خاص را در یک دوره زمانی خاص مورد توجه قرار داده و به بررسی تعامل انسان و طبیعت و آثار فرهنگی آن پرداخت (sauer, p.4).

درونت ویتلزی^۴ در سخنرانی ۱۹۴۴ م. در انجمن جغرافی‌دانان آمریکا، به بیان مفهوم جغرافیای تاریخی می‌پردازد. وی برخلاف سائر که اصالت را به نقش انسان و فرهنگ در طبیعت می‌دهد، به آن اصالت جغرافیایی بخشیده و تأکید می‌ورزد؛ جغرافیای تاریخی دارای همان اصالت جغرافیاست، ولی داده‌های آن را تاریخ فراهم می‌آورد، هرچند ابزارها و ملاحظات معمول آن جغرافیایی است (Wittlesey, PP.4-6).

به نظر با این اصالت‌بخشی ویتلزی به جغرافیا، در نوشته‌هایی که پس از وی در باب تعریف، تعیین مصادیق، اهداف و روش پژوهش نوشته‌شده، جغرافیای تاریخی هر چه بیشتر از منظور بنیان‌گذاران اولیه خود دور گردیده، محیط را مدنظر قرار داده است. به نظر می‌رسد پس از جنگ جهانی دوم برخی ویژگی‌های اساسی این حوزه بین‌رشته‌ای تاریخ و جغرافیا تغییر کرده باشد، زیرا از این به بعد هدف آن، فهم تکامل یک منطقه خاص جغرافیایی و بررسی تغییرات آن گردید. بر این اساس جغرافیای تاریخی باید به مطالعه تغییرات جغرافیایی منطقه‌های خاص و زمانی معین (در گذشته) بپردازد (New Encyclopedia Britannica, p.948). دو تعریف ذیل از این نمونه تعاریف هستند:

^۳. Carlo Sauer

^۴. Dewent Wittlesey

جغرافیای تاریخی به مطالعه و بیان توزیع پدیده‌ها در گذشته تاریخی می‌پردازد؛ بدین‌سان که تغییرات متوالی را به ترتیب تاریخی نشان می‌دهد (Murray, p 510).

بنا بر تعریفی دیگر، جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه بررسی سلسله وقایع در یک‌زمان یا ارزیابی آن‌ها با توجه به تحولات تاریخی گذشته است. (Monkhouse, p 176)

اما برخلاف این جریان در دهه‌های پایانی قرن بیستم، *جغرافیای تاریخی* بیشتر بر آن بود که تأثیر محیط‌های جغرافیایی را بر حوادث تاریخی نشان دهد.

به نظر می‌رسد این تغییر رویه با ورود مورخان بیشتر به این حیطه در ارتباط است. مفهوم‌شناسی اندیشمندان ایرانی نیز در این راستاست. در مفهوم‌شناسی اندیشمندان ایرانی، چون سائر و پیشینیان ایرانی این علم، تأکید بیشتر بر نقش انسان بر محیط است هرچند باید گفت؛ عواملی تازه چون اسامی و وجه‌تسمیه مناطق، جایگاه خاصی در این تعاریف پیدا کرده است.

اندیشمندان ایرانی با تعاریفی متفاوت به این دانش نگاه کرده‌اند. برخی آن را شعبه‌ای از جغرافیای انسانی می‌دانند مانند آنچه حریریان از این موضوع تعریف کرده است؛ *جغرافیای تاریخی قسمتی از جغرافیای انسانی است که از وضع زندگی بشر در زمان‌های گذشته صحبت می‌کند، از جمله مطالعه شهرها، راه‌های ارتباطی، وضع کشاورزی، صنعت، بازرگانی، تشکیلات و سازمان‌های اداری - اجتماعی و علل ایجاد یا از میان رفتن آن‌ها*. (حریریان، ص ۸). برخی جغرافیای تاریخی را شاخه‌ای از جغرافیای طبیعی دانسته‌اند. برخی نیز گفته‌اند که جغرافیای تاریخی، مطالعه جغرافیایی یک منطقه در گذر تاریخ است. به‌عنوان مثال درباره شهر کوفه به مسائلی چون پیدایش کوفه، توسعه و گسترش، آب‌وهوا، زمین و... را در گذر زمان، بررسی می‌کند. عمده‌تأ کتاب‌های نوشته‌شده با این رویکرد نگاشته شده است. برخی عقیده دارند که جغرافیای تاریخی رشته‌ی جداگانه‌ای است از جغرافیا که هم از اوضاع طبیعی و هم از اوضاع اقتصادی و هم از جغرافیای انسانی و سیاسی در طول دوره‌ای از تاریخ بحث می‌کند (نه‌چیری، ص ۸). نه‌چیری با این تعریف، جغرافیای تاریخی را بیوگرافی یک شهر یا منطقه می‌داند و آن را لازمه شناخت وجه‌تسمیه اسامی شهرها و تحول آن‌ها قلمداد کرده است. قرچانلو نیز جغرافیای

تاریخی را معادل توپولومی (مطالعه وجه‌تسمیه شهرها و نقاط و ذکر اسامی نواحی) می‌خواند. برخی جغرافی‌دانان و نویسندگان مشهور چون اقتداری و برخی نویسندگان پیرو او، پا را از این هم فراتر نهاده و جغرافیای تاریخی را معادل شرح آثار و بناهای باستانی می‌دانند و به شیوه‌ای افراطی باستان‌شناسی را از آن برداشت می‌کنند (احمدوند، ۳۴).

البته در این میان برخی محققان، جغرافیای تاریخی را بسیار نزدیک بدان چه بنیان‌گذاران نیمه قرن بیستم و محققان اواخر قرن بیستم درمی‌یافتند، معنا می‌کنند؛ برای مثال حسین شکویی در تقریظ خویش بر کتاب «مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی»، اثر بیک‌محمدی، او معتقد است:

باید در جغرافیای تاریخی بررسی فرایند اجتماعی مورد تأکید باشد، زیرا همه تاریخ بشر و به‌موازات آن تمامی پدیده‌های جغرافیایی حاصل همکاری اجتماعی مردم و یا برخوردهای اجتماعی است.

جغرافیای تاریخی، تغییرات جغرافیایی پدیده‌های مکانی را در بستر زمان در سطح زمین و یا در بخشی از آن، موردبررسی قرار می‌دهد. به سخن دیگر، جغرافیای تاریخی، نگرش تاریخی به همه نوع مسائل جغرافیایی است؛ لذا منطقی است که در جغرافیای تاریخی، رویکرد تکوینی اساس کار قرار بگیرد و در آن، فرایندها، به‌ویژه فرایندهای اجتماعی مورد تأکید باشد. از همین روست که برخی محققان از آن به‌عنوان جغرافیای تاریخی- اجتماعی نام می‌برند (شکویی، پانزده). هدف در مطالعات جغرافیای تاریخی، شناخت شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذشته انسان در ارتباط با محیط جغرافیایی اوست.

به‌تبع ایشان آقای بیک محمدی نیز جغرافیای تاریخی را مساوی با جغرافیای انسانی می‌شمارند؛ جغرافیای تاریخی علمی است که رابطه بین انسان با طبیعت را در زمان گذشته بررسی می‌کند. لذا در این علم، روابط مکانی انسان در قالب مقاطع زمانی در گذشته مطرح می‌شود تا چگونگی مسائل جغرافیایی امروز بشر بهتر درک شود. به تعبیر دیگر می‌توان گفت جغرافیای تاریخی همان جغرافیای انسانی گذشته است (بیک‌محمدی، ص ۱۵).

با این وجود در نگاه اندیشه‌وران جدید، این مقوله تفاوت دارد. ابوالفضل نبئی در مقاله «روش

تحقیق تاریخ از جغرافیا، نقش عوامل جغرافیایی در رویدادهای تاریخی یا بررسی مطالب جغرافیایی» تأکید می‌کند. بحث از تغییرات جغرافیایی در طول زمان، مثلاً اینکه روزی دریاچه آرال و دریاچه خزر یکی بوده و امثال آن، درواقع تاریخ جغرافیا یا سرگذشت مناطق جغرافیایی است؛ مانند آنچه محمدتقی خان حکیم از جغرافیای تاریخی فهمیده است. او می‌نویسد؛ جغرافیای تاریخی شامل بازسازی محیط‌های گذشته به شیوه‌ی بررسی سلسله وقایع در یک زمان یا ارزیابی آن‌ها با توجه به تحولات گذشته است (حکیم، ص ۵). اما از نظر نبئی جغرافیای تاریخی به بررسی نقش جغرافیا در تاریخ، یعنی پیروزی‌ها، شکست‌ها، مهاجرت‌ها، تأثیر کوه‌ها، معابر، صحراها و ... در شکل‌گیری حوادث تاریخی و نیز ساخت پایتخت‌ها بر اساس استقرار در قلب مناطق جغرافیایی و در ارتباط با تأمین امنیت و ... می‌پردازد. ملاحظه می‌کنیم که حتی در برداشت نبئی نیز جغرافیای تاریخی تأکیدی فراوان بر انسان و نقش عامل محیط بر حوادث زندگی او دارد.

مفهوم‌یابی «جغرافیای تاریخی»

از آنچه تاکنون آمد، روشن می‌شود هدف اصلی مبدعان جغرافیای تاریخی، مروجان و محققان آن، عبارت است از این‌که؛ اولاً تأثیر محیط را بر رخ‌دادن حوادث تاریخی و دستاوردهای (فرهنگی) انسانی می‌کاود. ثانیاً، اگر جغرافیا را به علم بررسی روابط انسان و زمین تعبیر کنیم، جغرافیای تاریخی باید، تأثیر انسان بر محیط طبیعی و جغرافیایی را نیز نشان دهد؛ به تعبیری اقدامات انسان (به گفته سائر فرهنگ) را که مرتبط با محیط طبیعی است، در گذشته موردبررسی قرار دهد.

اما با توجه به آنچه گذشت اگر بخواهیم تعریفی جامع از جغرافیای تاریخی به دست دهیم باید به تأثیر طبیعت بر انسان و فعالیت‌های او و نقش متقابل انسان بر طبیعت درگذر زمان توجه داشت. درمجموع باید گفت؛ **جغرافیای تاریخی یعنی مطالعه جغرافیایی یک منطقه درگذر تاریخ و نقشی که این دو از یکدیگر می‌پذیرند؛ یعنی نقشی که تاریخ در جغرافیا و جغرافیا در تاریخ ایفا می‌کند.** با این توضیح که علم جغرافیا بیانگر تغییرات بستر طبیعی یک مکان و تأثیرگذاری آن بر رفتارها و انتخاب‌های انسانی و تاریخ بیانگر تغییرات

همان محدوده مشخص با نقش‌آفرینی انسان بر مکان است. در جغرافیای تاریخی به این مسئله توجه داده می‌شود که جغرافیای یک منطقه چه تأثیرات و نقشی در ظهور و بروز رویدادهای تاریخی داشته است و متقابلاً رویدادهای تاریخی چه آثاری بر جغرافیا داشته‌اند.

بر این اساس جغرافیای تاریخی، مطالعه‌ای چند رشته‌ای تلقی می‌شود که از دو روش جغرافیایی و تاریخی بهره می‌گیرد. روش تاریخی که مبتنی بر اسناد و مدارک است و روش جغرافیایی که مبتنی بر پیمایش و حضور است. البته باید اذعان داشت که ذکر این دو روش، به‌عنوان دو روش اصلی و عمده در این دانش است، اما به معنی انحصار در این دو روش نبوده و گاه لازم می‌آید با توجه به موضوع از روش علوم دیگری چون مردم‌شناسی، انسان‌شناسی و ... نیز استفاده نمود. بر اساس این تعریف ما به فرازوفروود یک منطقه در طول تاریخ با در نظر داشت تعاملی که بین تاریخ و جغرافیا قرار دارد؛ می‌پردازیم.

منابع و مأخذ

- ابوالفضل نبئی، روش تحقیق تاریخ از جغرافیا، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره مسلسل ۲، تابستان ۱۳۶۵.
- حسن بیک محمدی، مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، نشر دانشگاه اصفهان، چ پنجم، ۱۳۹۰.
- حسین شکویی، تقریظ بر مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران نوشته حسن بیک محمدی، نشر دانشگاه اصفهان، چ پنجم، ۱۳۹۰.
- عباس احمدوند، تأملی در آموزش و پژوهش جغرافیای تاریخی در ایران، مجله تاریخ اسلام، شماره چهارم، خرداد ۱۳۹۰.
- عبدالحسین نهچیری، جغرافیای تاریخی شهرها، تهران، انتشارات مدرسه وابسته به دفتر انتشارات کمک آموزشی، چ اول، ۱۳۷۰.
- عزیز الله بیات، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- محمدتقی خان حکیم، گنج دانش جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، تهران، انتشارات زرین، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- محمد حریریان، شناخت پیکر زمین، دانشگاه تربیت معلم تهران، چ دوم، ۱۳۵۶.
- مسعود مهدوی، مفهوم جغرافیای تاریخی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

منابع لاتین

- carlo sauer, forword to Historical Geography, Annals of the Association of American Geographers, No. 7, Vol.
- Dewent Wittlesey, The Hirizon of Geogrophy, Annals of the Association of American Geographers, No 1, Vol. xxxv.
- New Encyclopedia Britannica, V 5 Fifteen edition, 1994.
- M.A.Murray, Encyclopedia International; New York, 1967.
- F. J. Monkhouse, A Dictionary of Geography; London, 1969